

شیوهٔ اعمال صلاحیت ملی در دریاها دکتر عباس تدینی و دکتر علی اصغر حاتمی

وضعیت خاص جغرافیائی کشورمان که در حد شمالی آن دریای خزر و در سراسر حد جنوبی خلیج فارس واقع است و در هر دریای مزبور ثروتهای کلان طبیعی و منابع عظیم انرژی قرار دارد که اولی دریای بسته و دومی دریائی نیمه بسته است موجب بروز مشکلات مهمی بین دولتهای ساحلی از جهت تعیین مرزها و تحدید حدود سرزمینهای مجاور دریاها شده است.

امکان اعمال اقتدار و حاکمیت ملی در دریاهای ساحلی و بهره‌مندی مطلوب از ذخایر عظیم معدنی واقع در مناطق مزبور منوط به شناخت مقررات و قواعد مربوطه است، زیرا در این راستا خواهد بود که عملکرد دولتها از اعتبار بین‌المللی لازم برخوردار گردیده و قدرت اجرائی لازم را پیدا خواهد کرد. در این مقاله تعاریفی گویا از اصطلاحات و تعبیرات حقوقی متداول در قلمرو حقوق دریاها ارائه می‌گردد و سپس تعیین نظام حقوقی حاکم بر مناطق دریائی و در نهایت (بعنوان بخش اصلی مقاله) بررسی اعمال و وقایع حقوقی در مناطق مختلف دریاها بر اساس کنوانسیونهای بین‌المللی مورد بحث قرار می‌گیرد.

مقدمه

تا قبل از سال ۱۹۵۸ (تشکیل کنوانسیون ژنو)، حقوق دریاها، حقوقی عرفی بود، و از آن پس به صورت قراردادی متجلی گردید. اولین کنفرانس حقوق دریاها در ژنو (۲۹ آوریل ۱۹۵۸) منجر به تصویب چهار کنوانسیون در مورد دریای آزاد، دریای سرزمینی، فلات قاره (دشتاب) (۱) و صید گردید.

دومین کنفرانس، همچنین در ژنو (در سال ۱۹۶۰) تشکیل و تلاشی وسیع جهت توسعه عرض دریای سرزمینی صورت گرفت. اما این تلاش منجر به نتیجه مطلوبی نگردید و اختلاف بین دولتها در این مورد کماکان باقی ماند.

سومین کنفرانس، که جلسات آن بیش از ۸ سال بطول انجامید، و نهایتاً در منتهی‌القول (پایتخت ژامائیکا) منجر به انعقاد کنوانسیون ۱۰ دسامبر ۱۹۸۲ گردید که جایگزین قراردادهای قبلی شده و موجب وحدت میان کشورها در مورد نظام حقوقی مناطق دریائی گردید.^۱

منظور از اعمال صلاحیت ملی، صلاحیت‌هایی است که دولت ساحلی در مناطق دریائی خود اعمال می‌نماید. لذا، با توجه به کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها این مسئله را تحت عنوان تحدید حدود مناطق دریائی تفصیلاً مورد بررسی قرار می‌دهیم، تا نظام حقوقی هر یک از این مناطق مشخص شود، سپس حقوق و تکالیف دولت ساحلی را در هر یک از این مناطق به تفکیک عنوان خواهیم نمود، تا زمینه بررسی اعمال و وقایع حقوقی در مناطق فوق‌الذکر مهیا گردد، و نهایتاً به شیوه اعمال صلاحیت ملی پی ببریم.

لذا، در مبحث مربوط به تحدید حدود با استناد به قواعد و مقررات کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق بین‌الملل دریاها شیوه تحدید حدود و تعیین عرض مناطق دریایی و خطوط مربوط به آن طبق فرمول‌های مندرج در کنوانسیون فوق‌الذکر تعیین می‌گردد. در مبحث مربوط به نظام حقوقی مناطق دریایی قواعد و مقررات کنوانسیون ۱۹۸۲ مبنای تشخیص است اما تفسیر به گونه‌ای صورت خواهد گرفت که وضعیت نظام حقوقی مناطق مختلف دریائی به تفکیک مشخص خواهد شد و تحت چنین شرایطی زمینه بررسی اعمال و وقایع حقوقی در مناطق مورد نظر امکان‌پذیر خواهد بود و نهایتاً در مبحث مربوط به بررسی اعمال و وقایع حقوقی اولاً مراجع قضائی ذیصلاح جهت حل و فصل اختلافات عدیده‌ای که در محدوده تحت اعمال صلاحیت ملی بروز می‌کند ثانیاً قوانین حاکم بر اختلافات مذکور را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد. (شکل شماره ۱)

مبحث اول

تحدید حدود مناطق دریائی

مناطق دریائی بر مبنای کنوانسیون ۱۹۸۲ به ترتیب زیر تقسیم بندی شده اند:

۱- آبهای داخلی: (۲)

آبهای داخلی به آبهایی گویند که در طرف خشکی خط مبدأ (۳) قرار دارند و اغلب از خلیج های کوچک آبگیرها و بندرگاهها و آبهای داخلی متصل به دریا تشکیل شده اند. (۴) اما مشکل اساسی تحدید حدود به خصوص میان کشورهای که سواحل آنها دارای وضعیت جغرافیائی خاص می باشد، تعیین خط مبدأ است. در مواردی که دولتی مختار است بین انواع خطوط مبدأ یکی را انتخاب نماید و یا خط مفروضی را به عنوان خط مبدأ منظور کند (مثل خطوط مبدأ مستقیم، خطوط اتصال دهانه خلیج های کوچک و رودخانه ها و برآمدگی های جزری) اقدام دولت ساحلی برای اعمال اختیار خود و ترسیم خطوط مبدأ تابع حقوق بین الملل است، تنها در صورتیکه اقدام دولت ساحلی مطابق قواعد ذریرط باشند، خطوط مبدأ آن کشور معتبر است. اگر چه عمل تحدید حدود لزوماً یک اقدام یک جانبه است، زیرا فقط کشور ساحلی دارای صلاحیت انجام آن است، ولی چون اعتبار حدود تعیین شده در قبال دیگران باید بر مبنای حقوق بین الملل باشد، لذا دارای یک جنبه بین المللی است و نمی توان آن را تنها به اختیار خود کشور ساحلی گذاشت که منحصراً قواعد داخلی را مبنای عمل قرار دهد. با توجه به توضیحات فوق روش تعیین خط مبدأ بر حسب وضعیت خاص مراحل هر کشور ممکن است تفاوتی داشته باشد که ذیلاً به آنها اشاره می شود:

یک - در سواحل مضرس:

در مواردی که ساحل دارای تورفتگی متعلق به یک دولت باشد این دولت می تواند در شرایطی که اولاً فاصله بین خط مرزهای دو نقطه و دهانه تورفتگی از ۲۴ (۵) مایل دریائی بیشتر نباشد، ثانیاً مساحت تورفتگی به اندازه یا بیشتر از سطح نیم

دایره‌ای باشد که قطر آن خطی است که دو طرف دهانه تورفتگی ساحل را به هم متصل می‌سازد، دو نقطه مدخل طبیعی تورفتگی را با ترسیم خط مستقیمی به یکدیگر وصل می‌نماید و از این خط به عنوان خط مبدا برای تعیین عرض دریای سرزمینی خوداستناد نماید.

در مواردیکه تورفتگی فاقد شرایط فوقی باشد خط مبدأ همان خط جزر دریا در امتداد ساحل تورفتگی می‌باشد مگر اینکه تورفتگی خلیج تاریخی باشد. (۶) (شکل شماره ۲)

۲- دریای سرزمینی: (۷)

دریای سرزمینی منطقه دریائی است که از امتداد سرزمین در دریا شکل می‌گیرد. طبق ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ محدوده دریای سرزمینی ۱۲ مایل بعد از خط مبدأ است. در مواردی که سواحل دو کشور مقابل یا مجاور یکدیگرند، هیچکدام از آنها نمی‌توانند دریای سرزمینی خود را از خط میانه‌ای که هر نقطه آن از نزدیکترین نقاط روی خط مبدأ عرض دریای سرزمینی آنها به یک اندازه است جلوتر برند، مگر آنکه بین دو کشور بر خلاف این اصل توافق شده باشد. (۸) در مورد کشورهای مجاور در شکل مشهود است اما در مورد کشورهای روبرو زمانی که عرض دریای سرزمینی کمتر از ۲۴ مایل باشد چنین مشکلی مطرح می‌شود تحدید حدود بر مبنای خط منصف صورت می‌گیرد. (شکل‌های ۳ و ۴)

دو - در سواحلی که در نزدیکی آنها جزایری واقع باشند:

در مواردی که آبهای واقع بین جزیره و سرزمین اصلی پوشیده از آبهای سرزمینی جزیره و سرزمین اصلی باشد، دولت ساحلی مجاز خواهد بود که با ترسیم خطوط مبدأ مستقیمی خط پست‌ترین جزر ساحل جزیره را به خط پائین‌ترین جزر ساحل اصلی متصل نموده و خط مبدأ را ترسیم نماید.

بهترین مثال در این مورد جزائر ایرانی تنب کوچک و تنب بزرگ در مدخل ورودی تنگه هرمز است که فاصله اولی تا ساحل اصلی ۱۴/۵۸ مایل دریائی و فاصله دومی تا ساحل اصلی ۱۲/۹۶ مایل دریائی است.

سه - در سواحلی که تورفتگی به صورت خور (۹) وجود داشته باشد:

در صورتی که فاصله میان اثر پست‌ترین جزر دریا در مداخل طبیعی یک خور از ۲۴ مایل دریائی تجاوز نکند، بین این دو اثر پست‌ترین جزر، می‌توان یک خط تحدید حدود رسم نمود، اما اگر فاصله مذکور از ۲۴ مایل دریائی بیشتر باشد خط مبدا مستقیم ۲۴ مایل در داخل خور کشیده می‌شود، به طوری که بیشترین میزان آب را در برگیرد. (۱۰) (شکل شماره ۵)

۳- منطقه مجاور (نظارت) (۱۱)

منطقه نظارت بخشی از دریا (سطح دریا) در مجاورت ماورای دریای سرزمینی است که بلافاصله پس از دریای سرزمینی به وجود می‌آید. منطقه نظارت از ۲۴ مایلی بعد از خط مبدأ فزاتر نمی‌رود به عبارت دیگر اگر یک دولت ۱۲ مایل دریای سرزمینی داشته باشد، استحقاق خواهد داشت که بر ۱۲ مایل دیگر هم در منطقه مجاور نظارت داشته باشد. (۱۲)

۴- فلات قاره: (۱۳)

فلات قاره دولت ساحلی متشکل است از کف و زیر کف دریا که ماوراء دریای سرزمینی آن دولت در سراسر امتداد طبیعی سرزمین دولت مزبور تالبه خارج حاشیه قاره‌ای (۱۴) گسترش می‌یابد. توضیحاً این که کف دریاها با شیب بسیار ملایمی به سوی دریا پیش می‌روند و معمولاً در عمق ۲۰۰ متری به وسیله سرایشی تند و پرتگاه مانندی پایان می‌یابد. مجموعه فلات قاره - سرایشی قاره و پیش قاره دنباله طبیعی سرزمین دولت ساحلی در زیر آب را تشکیل می‌دهد و اساس ادعای دولتهای ساحلی جهت اعمال صلاحیت ملی آنها بر این مناطق می‌باشد.

تحدید حدود بین کشورهای همجوار و یا روبرو خط منصف (Equidistance) صورت خواهد گرفت. نمونه بارز آن کشورهای حوزه خلیج فارس است. طبق شیوه فوق الذکر خط مرزی به نحوی ترسیم می‌شود که هر نقطه از آن نزدیکترین نقطه خط مبدأ دریای سرزمینی دول ذینفع به یک فاصله باشد. (به همین دلیل خط متساوی الفاصله گفته می‌شود.) (شکل شماره ۶)

۵- منطقه اقتصادی انحصاری: (۱۵)

منطقه‌ای در آن سو و متصل به دریای سرزمینی است که تابع رژیم حقوقی ویژه مقرر در این قسمت بوده و بیش از ۲۰۰ مایل از خطوط مبدأ تعیین عرض دریای سرزمینی فراتر نخواهد رفت.

تحدید حدود منطقه اقتصادی انحصاری میان کشورهاییکه سواحل همجوار یا روبرو دارند، برای رسیدن به یک راه حل منصفانه طبق حقوق بین‌الملل و به نحویکه مورد نظر ماده ۳۸ (۱۶) اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری است از طریق قرارداد انجام می‌شود.

مبحث دوم

نظام حقوقی حاکم بر مناطق مختلف دریائی

۱- حقوق و تکالیف دولت ساحلی در آبهای داخلی:

آبهای داخلی محیط اعمال صلاحیت و سلطه دولت ساحلی است، با این وجود دولت مذکور از همان صلاحیتی که در سرزمین دارد، در دریا برخوردار نمی‌باشد، چون در خشکی با فرد مواجه است، در صورتیکه در دریا (آبهای داخلی) با کشتی مواجه است که تابع مقررات خاصی می‌باشد.

کشتی‌ها با ورود به بنادر و آبهای داخلی در قلمرو حاکمیت دولت ساحلی قرار می‌گیرند. بدین ترتیب دولت ساحلی می‌تواند قوانین خود را بر کشتی و سرنشینان آن (با رعایت قواعد مرسوم در مورد مصونیت‌های دولتی و دیپلماتیک که بیشتر برای کشتی‌های متعلق به دولتها وجود دارد) اعمال نماید؛ اما دولتهای ساحلی فقط در مواردی که منافع آنها در میان باشد قوانین خود را در این منطقه اعمال می‌کنند و مسائل مربوط به امور داخلی کشتی را به مقامات دولت صاحب پرچم واگذار می‌نمایند.

ورود کشتیهای خارجی به آبهای داخلی هر کشوری منوط به کسب اجازه از کشور ساحلی است که قادر به بستن بنادر خود در صورت لزوم بر روی کشتی‌های تجاری دیگر دول می‌باشد. اما دولتها اصل ورود کشتی‌های تجاری را به بنادر خود به عنوان یک قاعده عرفی پذیرفته‌اند.

در مورد کشتیهای جنگی، غالباً دولتها ورود اینگونه کشتی‌ها را به شرایطی منوط

میسازند. دولت ساحلی قادر است با اعلام قبلی ورود کشتی های جنگی را به بنادر خود منع کند، زیرا حق عبور بی ضرر در اینجا برای کشتی های جنگی وجود ندارد. ضمن اینکه بطور کلی ناو جنگی پیوسته تابع قوانین دولت صاحب پرچم میباشد، اما در زمان بروز حادثه تحت تبعیت دولت ساحلی قرار میگیرد. دولت ساحلی حق مشخص کردن مدت اقامت را دارد، تمامی این مقررات توسط قوانین محلی تهیه شده و دول ثالث حق هیچ گونه اعتراضی به آنرا ندارند (۱۷) لذا آبهای داخلی منطقه اعمال حق حاکمیت دولت ساحلی است.^۱

۲- حقوق و تکالیف دولت ساحلی در دریای سرزمینی:

حاکمیت دولت ساحلی علاوه بر قلمرو زمینی و آبهای داخلی منطقه ای از دریای متصل به ساحل آن دولت که دریای سرزمینی خوانده می شود گسترش می یابد (۱۲) مایل پس از خط مبدأ). این حق حاکمیت به فضای هوایی بالای دریای سرزمینی و همچنین کف و زیر کف این دریا گسترش می یابد، اما این حاکمیت مطلق نیست. دریای سرزمینی تابع دو اصل مخالف است:

یکی اصل عبور بی ضرر کشتی های دول بیگانه و دیگری اعمال صلاحیت دولت ساحلی به منظور جلوگیری از عبور مضر کشتی ها و تضمین منافع خود. (کنوانسیون مشخص می نماید که در چه مواردی عبور بی ضرر تلقی (۱۸) نخواهد شد) (۱۹) بنابراین از یک طرف هیچ هزینه ای نباید به عهده کشتیهای خارجی مگر برای خدمات مشخص شده تحمیل شود و از طرف دیگر کشتی هایی که عبور بی ضرر را رعایت نکنند تحت صلاحیت دولت ساحلی هستند و دولت ساحلی دارای حق تعلیق عبور این گونه کشتیها در نقاطی که عبور آنها نظم عمومی را به مخاطره می اندازد خواهد بود. اما ماده ۲۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ به دولت ساحلی اجازه می دهد تا درباره هر یک از موارد ذیل قانون وضع نماید:

- موارد مربوط به کشتیرانی.

- حفاظت از کابلها و لوله های دول ثالث.

- امور مربوط به صید آبزیان.

- آلودگی.

- تحقیقات علمی.

- گمرکات و امور مالی.

دولت ساحلی قادر است از عبور غیر مجاز ممانعت به عمل آورد و حتی به خاطر مسائل امنیتی عبور بی ضرر را در منطقه مشخصی از آبهای ساحلی معلق نماید.^۱

۳- حقوق و تکالیف دولت ساحلی در منطقه مجاور (نظارت):

دولت ساحلی در منطقه نظارت تنها از صلاحیت‌های محدودی برخوردار است، منطقه نظارت منطقه محدود شده‌ای است که دولت ساحلی در منطقه‌ای واقع در مجاورت دریای سرزمینی می‌تواند مقرراتی را وضع و نظارت لازم را اعمال نماید تا از نقض مقررات و قوانین گمرکی، مالی بهداشتی و مهاجرتی جلوگیری به عمل آورد. نظریه محدود دیتهای فوق، منطقه نظارت از لحاظ رژیم حقوقی با دریای سرزمینی متفاوت است و جزء دریای آزاد محسوب می‌شود.

صلاحیت دولت ساحلی در منطقه نظارت محدود به امور مشخص شده‌ای است که نظام حقوقی رژیم حقوقی حاکم بر دریای آزاد کاملاً متفاوت است (چون در منطقه نظارت همانند منطقه اقتصادی انحصاری و فلات قاره اصل آزادی بهره‌برداری از منابع طبیعی اعمال نمی‌شود). دول ثالث دارای حق کشتیرانی آزاد در منطقه نظارت و پرواز بر فراز آن می‌باشند. نتیجتاً منطقه نظارت جزئی از منطقه اقتصادی انحصاری محسوب می‌شود و به همین دلیل دارای ماهیت حقوقی خاصی (Sui Generis) می‌باشد. دولت ساحلی در منطقه نظارت فاقد حق حاکمیت (۲۱) است و فقط حقوق حاکمه (۲۲) را اعمال می‌نماید.^۲

۴- حقوق و تکالیف دولت ساحلی در فلات قاره

دولت ساحلی در فلات قاره دارای حقوق حاکمه‌ایست که به موجب آن می‌توان از منابع فلات قاره بهره‌برداری کند و از این نقطه نظر صلاحیت ملی تا فاصله

۲۰۰ مایل پس از خط مبدا قابلیت اعمال خواهد داشت و عملیات اکتشافی و استخراجی دولت ساحلی در حاشیه قاره یا به عبارت دیگر پس از ۲۰۰ مایلی مشروط به شرایط دیگر از جمله کسب موافقت سازمان ملل متحد (مقام بین‌المللی است). منابع طبیعی فلات قاره عبارتند از منابع معدنی و سایر منابع بی‌جان کف و زیر کف دریا و نیز موجودات جاندار از نوع موجودات ثابت و ساکنه. (۲۳)

حقوق دولت ساحلی در فلات قاره حقوقی انحصاری است زیرا اگر دولت ساحلی در صدد کاوش یا بهره‌برداری از فلات قاره بر نیاید هیچ دولت دیگری حق ندارد بدون موافقت صریح دولت ساحلی در آن منطقه کاوش نموده یا بهره‌برداری نماید. دولت ساحلی جهت اکتشاف و استخراج در فلات قاره نیاز به تاسیساتی دارد که می‌تواند حریم ایمنی با شعاع ۵۰۰ متر در اطراف آنها ایجاد نماید، اما اکتشاف دولت ساحلی در فلات قاره و بهره‌برداری از منابع طبیعی آن نباید موجب مداخله غیر موجه در امور کشتیرانی و ماهیگیری یا حفاظت منابع جاندار دریا گردد.

دولت ساحلی نمی‌تواند مانع اعمال آزادی کابل کشتی و لوله‌کشی دول ثالث در کف فلات قاره گردد، اما جهت جلوگیری از آلودگی ناشی از گسستگی لوله‌های نفتی دولت ساحلی قادر است. مسیر کابل‌ها و لوله‌ها را نیز تعیین نماید.^۱

۵- حقوق و تکالیف دولت ساحلی در منطقه اقتصادی انحصاری:

دولت ساحلی دارای حق حاکمیت بر منابع موجود در منطقه اقتصادی انحصاری می‌باشد لذا می‌توان گفت دارای حقوق حاکمه بر منطقه مزبور است، زیرا اعمال حق حاکمیت منحصر به منابع بوده و در مورد کشتیرانی قابل اعمال نمی‌باشد.

کنوانسیون برای این منطقه واژه اقتصادی انحصاری را به کار برده (۲۴) زیرا صید آبزیان و استفاده از آب جهت تولید انرژی و شرب از طریق آب شیرین کن و شناور ساختن جزائر مصنوعی و غیره... در حیطه انحصاری دولت ساحلی است. ضمناً منابع کف فلات قاره را در بر می‌گیرد اما دولت ساحلی می‌تواند امتیاز صید آبزیان شناور در ستون آبهای منطقه اقتصادی انحصاری را در صورتی که در تمامی آنها نیاز

نداشته باشد مازاد بر نیاز را در مقابل پرداخت وجهی به دیگر دول اعطاء نماید. بنابراین منطقه اقتصادی انحصاری منطقه‌ای است جدا از دریای آزاد و بین دریای سرزمینی و دریای آزاد واقع است، لذا دارای نظام حقوقی خاص (Sui Generis) می‌باشد. این نظام حقوقی شامل سه قسمت اساسی است:

- ۱- حقوق و تکالیفی که کنوانسیون حقوق دریاها بر عهده دولت ساحلی می‌گذارد.
- ۲- حقوق و تکالیفی که کنوانسیون بر عهده سایر دول قرار می‌دهد.
- ۳- روش ارائه شده توسط کنوانسیون برای تنظیم فعالیت‌هایی که جزء هیچ یک از طبقه بندیهای فوق قرار نمی‌گیرد.

حقوق و تکالیف دولت ساحلی:

حقوق: همانطور که اشاره شد دولت ساحلی در این منطقه دارای حقوق حاکمه جهت اکتشاف و بهره‌برداری، حفاظت و مدیریت، منابع غیر زنده کف و زیر کف و آبهای بالای آن، همچنین منابع زنده و دیگر منابع اقتصادی مانند تولید انرژی از آب می‌باشد. اما در مورد ایجاد جزائر مصنوعی و تأسیسات، کنوانسیون به دولت ساحلی حقوق حاکمه را نمی‌دهد بلکه نحوه محدودتری از اعمال "صلاحیت" قائل است: حق انحصاری ساختن و اعطای اجازه و احداث ساختمان.

۴- ایجاد جزائر مصنوعی و تأسیسات: در این مورد حقوق دولت ساحلی محدودتری از حقوق حاکمه و به صورت ذیل است:

الف - جزائر مصنوعی.

ب - تأسیسات و ساختمانهایی برای مقاصد مندرج در ماده ۵۶ (جزائر مصنوعی، تأسیسات و ساختمانها) و سایر اهداف اقتصادی.

ج - تأسیسات و ساختمانهایی که می‌تواند در اعمال حقوق دولت ساحلی در منطقه دخیل باشد. دولت ساحلی صلاحیت خود را بر این گونه تأسیسات و ساختمانها اعمال می‌نماید.

۵- تحقیقات علمی دریایی: دولت ساحلی حق تنظیم و صدور اجازه و اجرای تحقیقات علمی در منطقه اقتصادی انحصاری است.

۶- کنترل آلودگی: دولت ساحلی به حقوق و تکالیف سایر دول توجه لازم را خواهد داشت. همانطوریکه ملاحظه گردید، کنوانسیون ۱۹۸۲ همراه با هریک از حقوق فوق الذکر تکالیفی بر عهده دولت ساحلی گذاشته است: مضافاً اینکه ماده ۵۶ کنوانسیون مذکور یک تکلیف عمومی نیز برای دولت ساحلی مقرر می نماید:

در استیفای حقوق و انجام تکالیف خود به موجب این کنوانسیون در منطقه اقتصادی انحصاری ...

(دولت ساحلی) به حقوق و تکالیف سایر دول توجه مقتضی معطوف خواهد داشت و به ترتیبی که مطابق با مقررات این کنوانسیون باشد عمل خواهد کرد.

مبحث سوم

بررسی اعمال و وقایع حقوقی در مناطق مختلف دریاها

۱- در آبهای داخلی

امور مدنی: فرض کنیم در یک کشتی تجاری دارای تابعیت آلمانی که در بندر بوشهر لنگر انداخته است میان بائع فرانسوی و خریدار ایتالیائی قرارداد بیعی منعقد شود سپس در رابطه با این معامله مشکلاتی بین بائع و خریدار بروز کند: مثلاً بدلیل تاخیر در تسلیم مبیع خساراتی به بار آید. در صورتیکه اطراف قرارداد بطور صریح یا ضمنی قانون احیاناً (۲۵) حاکم را تعیین کرده باشند قابل اجرا خواهد بود و گرنه طبق نظام ارتباط حقوقی موضوع تابع قانون کشور اقامتگاه بائع خواهد بود. (۲۶) اما اگر مشکل مربوط به امور شکلی قرارداد باشد تابع قانون محل تنظیم قرارداد است.

امور جزائی: حال اگر در کشتی فوق الذکر جرمی اتفاق افتاده باشد، رسیدگی به وضعیت مجرم در صلاحیت دادگاههای ایران خواهد بود (زیرا جرم در محدوده اعمال صلاحیت جمهوری اسلامی ایران به وقوع پیوسته است به عبارت دیگر دولت ساحلی دارای حق حاکمیت در آبهای داخلی است) مضافاً بر این که، قانون جزائی جمهوری اسلامی ایران هم قابلیت اعمال دارد (به علت درون مرزی بودن قوانین جزائی و حق حاکمیت دولت ساحلی در آبهای داخلی)، مگر اینکه دولت ساحلی جرم واقع شده را مغل نظم عمومی خود تلقی ننموده و مصلحت بداند تا موضوع توسط صاحب پرچم (دولت آلمان) رسیدگی شود.

در حالی که اگر همان جرم در یک کشتی جنگی آلمان به وقوع پیوسته باشد به علت مصونیت این گونه کشتی‌ها دولت ساحلی قادر به مداخله در امور اتفاقیه در داخل کشتی جنگی نخواهد بود و دولت ذیصلاح دولت صاحب پرچم است، حتی اگر یکی از نظامیان سرنشین کشتی مذکور در شهر بندری بوشهر مرتکب جرمی شده باشد نمی‌توان او را محاکمه نمود مگر اینکه بالباس غیر نظامی باشد، در غیر این صورت یعنی اگر بالباس نظامی مرتکب جرم شده باشد مرجع قضائی ذیصلاح دولت آلمان اما قانون حاکم، قانون ایران (محل وقوع جرم) خواهد بود.

۲- در دریای سرزمینی

امور مدنی: اگر در یک کشتی ایتالیائی در دریای سرزمینی ایران مثلاً در ۸ مایلی ساحل بندرعباس میان بایع هلندی و خریدار ایرانی قرارداد بیعی منعقد شده باشد، سپس مشکلاتی میان بایع و خریدار بروز کند. اگر این مشکلات مثلاً راجع به خسارت ناشی از عدم تحویل به موقع کالا باشد یکی از دو حالت متصور است یا اطراف قرارداد جهت جبران خسارت متابعت از قانون ایتالیا را تصریح نموده‌اند که در این مورد رسیدگی به چگونگی جبران خسارت و مطالبات خریدار طبق قانون ایتالیا صورت خواهد گرفت و یا چنین پیش‌بینی صورت نگرفته است در این حالت در حالیکه اگر کشتی ایتالیائی یک کشتی جنگی بود به همان صورتی که در مورد آبهای داخلی توضیح داده شد عمل می‌شود. اما اگر در امور شکلی قرارداد مشکلی مانند تفسیر بروز کند قانون قابل اعمال قانون محل وقوع عقد است و در این فرض محل وقوع قرارداد محدودده دریای سرزمینی ایران بعنوان دولت ساحلی است که حاکمیت خود را در دریای سرزمینی هم اعمال می‌نماید و این اصل بر تابعیت کشتی تفوق دارد لذا دریای سرزمینی دولت ایران محل وقوع تلقی می‌شود نه کشتی ایتالیائی، حال آنکه اگر کشتی مزبور در زمان انعقاد قرارداد در دریای آزاد می‌بود، محل وقوع و انعقاد عقد کشتی صاحب پرچم تلقی می‌شد و قانون ایتالیا بر قرارداد قابلیت اعمال می‌یافت. امور جزایی: در حالیکه اگر در کشتی فوق‌الاشعار جرمی به وقوع پیوندد، مثلاً یکی از خدمه ایتالیائی کشتی مزبور مسافری انگلیسی را به قتل رساند، در این مورد مرجع ذیصلاح جهت رسیدگی قضائی، دولت ساحلی (دادگاههای جمهوری اسلامی

ایران) است زیرا محل وقوع جرم محدوده اعمال صلاحیت دولت ساحلی می‌باشد. به عبارت دیگر جرم در دریای سرزمینی ایران به وقوع پیوسته است، ضمناً قانون قابل اعمال هم قانون محل وقوع (قانون جزای ایران) است مگر اینکه دولت جمهوری اسلامی مورد را مغایر با نظم عمومی خود تلقی ننماید و به میل خود از حق رسیدگی صرف نظر نماید. در حالی که اگر کشتی ایتالیائی یک کشتی جنگی بود به همان صورتی که در مورد آبهای داخلی توضیح داده شد عمل می‌شود.^۱

۳- در منطقه مجاور (نظارت)

نظر به این که منطقه نظارت فضائی است فروریخته از منطقه اقتصادی انحصاری، لذا نحوه رسیدگی و اعمال صلاحیت و تشخیص قانون حاکم بر اعمال و وقایع حقوقی در منطقه اقتصادی انحصاری بر منطقه نظارت نیز شمول خواهد یافت، بنابراین توضیحات لازم را تحت عنوان منطقه اقتصادی انحصاری خواهیم آورد.

۴- در منطقه فلات قاره

با توجه به تعاریف گذشته فلات قاره که متشکل است از کف و زیرکف دریا از دریای سرزمینی تا ۱۸۸ مایل ادامه دارد لذا فقط عملیات اکتشافی و استخراجی و عبور کابل و لوله‌های دریائی در آن منطقه صورت می‌گیرد و استخراج نفت در این منطقه تحت عنوان محدوده Off - Shore (در امتداد خشکی) انجام می‌شود و کشورها اصولاً قوانین معادن خود را در این منطقه بسط می‌دهند (البته با رعایت قواعد و مقررات کنوانسیون ۱۹۸۲). به عنوان مثال در عملیات استخراجی دولت ساحلی موظف است تا بگونه‌ای عمل نماید که به کابل و لوله دول ثالث (دول ثالث در عبور کابل و لوله در منطقه فلات قاره آزادند) آسیبی وارد نیاید. بنابراین با در نظر گرفتن وضعیت زمین شناسی، فلات قاره محیط فعالیتهای محدودی است که در زیر آب (زیر منطقه اقتصادی انحصاری) قرارداد و اعمال و وقایع حقوقی به خصوصی در آن صورت نمی‌گیرد بلکه اعمال و وقایع در ستون آبهای مستقر بر فلات قاره (منطقه اقتصادی انحصاری) صورت می‌گیرد که در گفتار بعدی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

هدر منطقه اقتصادی انحصاری

امور مدنی: اگر یک کشتی سوئدی در ۲۲ مایلی خط مبدأ در آبهای بندرعباس (منطقه نظارت دولت ایران که جزء منطقه اقتصادی انحصاری هم محسوب است) لنگر انداخته و بین بایع فرانسوی و خریدار ایرانی که در کشتی مزبور هستند قرارداد بیعی جهت تحویل کالا در امارت متحده عربی منعقد گردد به دنبال آن اختلافاتی ناشی از بیع مزبور به عنوان مثال عدم تحویل قسمتی از کالا بروز کند، رسیدگی به اختلاف و تعیین قانون قابل اعمال در صورت عدم تصریح در قرارداد مذکور تابع قانون اقامتگاه بایع فرانسوی خواهد بود (بدین توضیح که اگر در کشور دیگری اقامتگاه اصلی دارد قانون همان کشور در ماهیت قابلیت اعمال خواهد داشت) اما قانون حاکم جهت رفع مشکلات احتمالی ناشی از مفاد خود قرارداد که تابع قانون محل انعقاد است در این مورد قانون سوئد خواهد بود زیرا کشتی تابعیت سوئد را دارد و چون در محدوده ۲۲ مایلی خط مبدأ ایران قرار داشته است لذا خارج از حوزه اعمال حق حاکمیت دولت ساحلی است بنابراین تفوق با کشور صاحب پرچم خواهد بود زیرا دولت ساحلی همان گونه که می دانیم پس از دریای سرزمینی، یعنی در مناطق فلات قاره و اقتصادی انحصاری صلاحیت‌های محدودی را اعمال می نماید که محدود به استفاده از منابع طبیعی موجود در مناطق مارالذکر است، لذا دارای حقوق حاکمه می باشد.

امور جزائی: در مورد جرائمی که توسط یکی از سرنشینان کشتی فوق الاشعار ارتکاب باید به دلیل تفوق قانون پرچم در خارج از دریای سرزمینی مرجع ذیصلاح قضائی محاکم قضائی سوئد و قانون جزای آن کشور قابلیت اعمال را خواهد داشت. اما اگر کشتی سوئدی یک کشتی جنگی باشد به خصوص در امور جزائی حتی در دریای سرزمینی هم مراجع ذیصلاح و قانون جزای سوئد (دولت صاحب پرچم) حاکم خواهد بود. اما اگر از خود کشتی خطای بارزی سر زده باشد، به عنوان مثال باتوجه به اینکه آلودگی صورت گیرد که چندان اهمیتی ندارد چون در منطقه اقتصادی انحصاری کشتی‌های دول ثالث دارای حق عبور آزاد هستند نمی توان عبور کشتی را به حالت تعلیق درآورد، منتها در صورتی که آلودگی شدید و به خصوص عمدی باشد، تحت این شرایط نیروهای انتظامی دولت ساحلی قادر به تعقیب کشتی خاطی تا ۱۲ مایل دولت صاحب پرچم و یا هر دولت ساحلی دیگری جهت توقیف کشتی خواهند بود.^۱

نتیجه

جامعه بین‌المللی همواره کوشیده است تا قوانین و مقررات لازم جهت استفاده و بهره‌برداری هر چه صحیح‌تر از دریاها را تدوین نموده و این مهم را همان‌گونه که به طور اجمالی دیدیم سامان دهد، در همین رابطه دریافتیم که طبق موازین حقوقی موجود علیرغم اینکه آبهای داخلی قوانین دولت ساحلی حاکم است هر چه از ساحل به طرف دریاها پیش می‌رویم منافع دولت ساحلی به نفع جامعه بین‌المللی محدودتر می‌شود همچنان‌که عبور بی‌ضرر کشتی‌ها خارج از شمول حاکمیت دولت ساحلی است زیرا بی‌ضرر بودن عبور نه تنها به نفع کشور ساحلی بلکه به نفع تمامی جوامع بین‌المللی تلقی شده است و این در حالی است که در دریای سرزمینی قوانین دولت ساحلی حاکمیت دارد اما در منطقه مجاور (منطقه نظارت) به نحوی که دیدیم دولت ساحلی نه تنها ناظر بر رعایت مقررات گمرکی و بهداشتی خود از طرف کشتیهای دول ثالث است بلکه در منطقه اقتصادی انحصاری دارای حقوق ممتاز (حقوق حاکمه) صید و استفاده از آب و شناور کردن جزایر می‌باشد، همچنان‌که در فلات قاره منابع طبیعی و معادن کف و زیرکف آب را استخراج می‌کند اما ناگزیر است حق عبور کابل و لوله زیر دریائی توسط دول ثالث را محترم بشمارد.

- ۱- به فرانسه Plateau continental به انگلیسی Continental shelf
- ۲- (Les eaux interieues - Internal waters)
- ۳- خط مبدا عادی خط جزر کامل دریا در امتداد ساحل است (ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۸۲) این یک قاعده کلی است و طبعاً خالی از استثناء نیست.
- ۴- ماده ۸ کنوانسیون ۱۹۸۲
- ۵- هر مایل دریائی ۱۸۵۲ متر است.
- ۶- ماده ۱۰ کنوانسیون ۱۹۸۲.
- ۷- (Territorial Sea = La mer Territoriale)
- ۸- ماده ۱۵ کنوانسیون ۱۹۸۲.
- ۹- خور عبارت از بریدگی کاملاً مشخصی است که پیشرفتگی آب در خشکی نسبت به عرض دهانه تورفتگی به اندازه‌ای باشد که آبهای داخلی آن را در خشکی محاط نموده و بیش از انحنای ساده ساحل باشد. معذالک تورفتگی ساحلی خور تلقی نخواهد شد مگر آنکه مساحت آن به اندازه یا بزرگتر از سطح نیم دایره‌ای باشد که قطر آن خطی است که دو طرف دهانه تورفتگی ساحل را به یکدیگر متصل می‌سازد.
- ۱۰- ماده ۱۰ کنوانسیون ۱۹۸۲.
- ۱۱- (Contiguous = Zone Contigue)
- ۱۲- ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۸۲.
- ۱۳- (Continental Shelf = Plateau Continental)
- ۱۴- حاشیه قاره‌ای امتداد توده خشکی دولت ساحلی را که زیر آب قرار گرفته و نیز کف و زیر کف فلات قاره و سراشیبی و پیش قاره را شامل می‌گردد. حاشیه قاره‌ای شامل کف عمیق اقیانوس با رشته کوههای واقع در اعماق و زیر بستر آن نمی‌گردد.
- ۱۵- (Zone economique exclusive) = (Exclusive economic zone)
- ۱۶- ماده ۳۸: ۱- دیوان بین‌المللی دادگستری که ماموریت دارد اختلافاتی را که به او رجوع شود بر طبق حقوق بین‌المللی قطع و فصل نماید موازین زیر را اجرا خواهد کرد:
- الف- عهدنامه‌های بین‌المللی را اعم از عمومی و خصوصی که به موجب آن قواعدی معین شده‌است که طرفین اختلاف آن قواعد را به رسمیت شناخته‌اند.

ب- رسوم بین‌المللی را به منزله دلیل یک معمول به عمومی که مثل یک اصل حقوقی قبول شده است.

ج- اصول عمومی حقوقی را که مقبول ملل متمدن است.

د- با رعایت حکم ماده ۵۹، تصمیمات قضائی و عقاید برجسته‌ترین مبلغین ملل را به منزله وسایل فرعی برای تعیین قواعد حقوقی.

مقررات این ماده حقی را که دیوان دادگستری بین‌المللی دارد و به موجب آن می‌توان در صورت تقاضای طرفین درباره آنها به نحوی مساوی طبق قانون حکم دهد خللی وارد نمی‌آورد.

۱۷- موارد ۲۹-۳۲ کنوانسیون.

۱۸- جمع‌آوری اطلاعات به زبان امنیت ملی دولت ساحلی.

- پرواز و فرود هواپیمای بیگانه بدون کسب مجوز از دولت ساحلی.

- بارگیری یا تخلیه خلاف مقررات دولت ساحلی.

- ایجاد آلودگی عمده و شدید.

- هرگونه فعالیت ماهیگیری.

- هرگونه پژوهش ملی.

ایجاد اختلال در سیستم ارتباطی یا سایر تأسیسات دولت ساحلی.

۱۹- ماده ۱۹ کنوانسیون ۱۹۸۲.

۲۰- مواد ۱۹ تا ۲۱ کنوانسیون ۱۹۸۲.

۲۱ و ۲۲- حق حاکمیت حقی است ذاتی و منشأ آن از شخصیت حقوقی دولت

ساحلی سرچشمه می‌گیرد، یعنی بسط صلاحیت قابل اعمال دولت ساحلی از

سرزمین به دریا (دریای سرزمینی)، اما حقوق حاکمه حق عرضی است، به عبارت

دیگر حق حاکمیت از حقوق دولت ساحلی است که توسط قواعد حقوق بین‌المللی

(جهت حفظ منافع جامعه بین‌المللی) محدود می‌شود و در موارد بخصوص و

مشخص شده‌ای اعمال می‌گردد.

۲۳- منظور از موجودات ثابت و ساکنه موجوداتی است که هنگام صید در کف دریا

بی حرکتند و یا بدون تماس دائم با کف دریا قادر به حرکت نیستند مانند مرجانها.

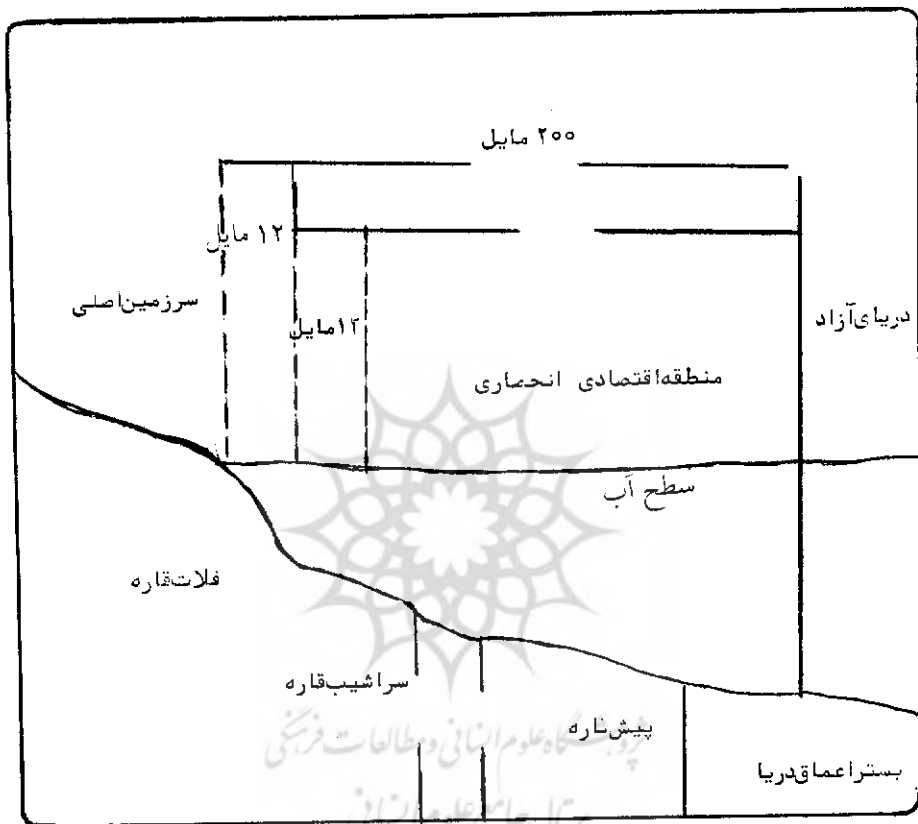
۲۴- بند یک ماده ۵۶.

۲۵- قانون احياناً حاکم: کلمه احياناً به این خاطر است که قانون در واقع حاکم بر قرارداد اصلی ممکن است در زمان رسیدگی مرجع ذیصلاح قضائی، با وجود مشکلاتی از قبیل عدم اصلیت یکی از اطراف قرارداد، اساساً خود قرارداد اصلی محکوم به بطلان باشد و نتوان قانون بر آن اعمال نمود.

۲۶- نظام ارتباط حقوقی: منظور از نظام ارتباط حقوقی رابطه‌ایست که یک معامله را با حقوق حاکم بر آن مربوط می‌سازد، مثلاً در قرارداد بیع، قرارداد به موجب نظام ارتباط حقوقی تابع قانون بیع است.

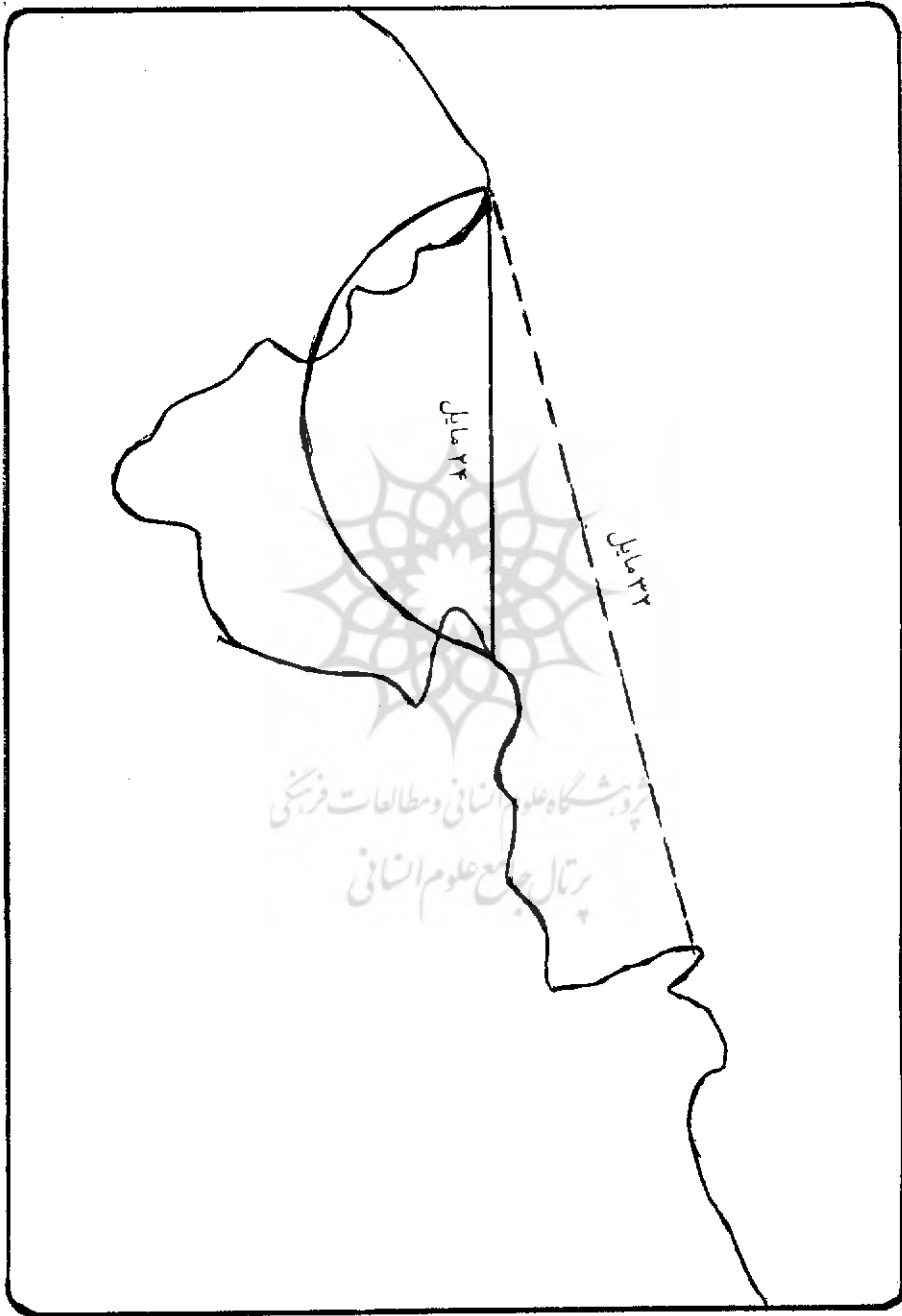


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

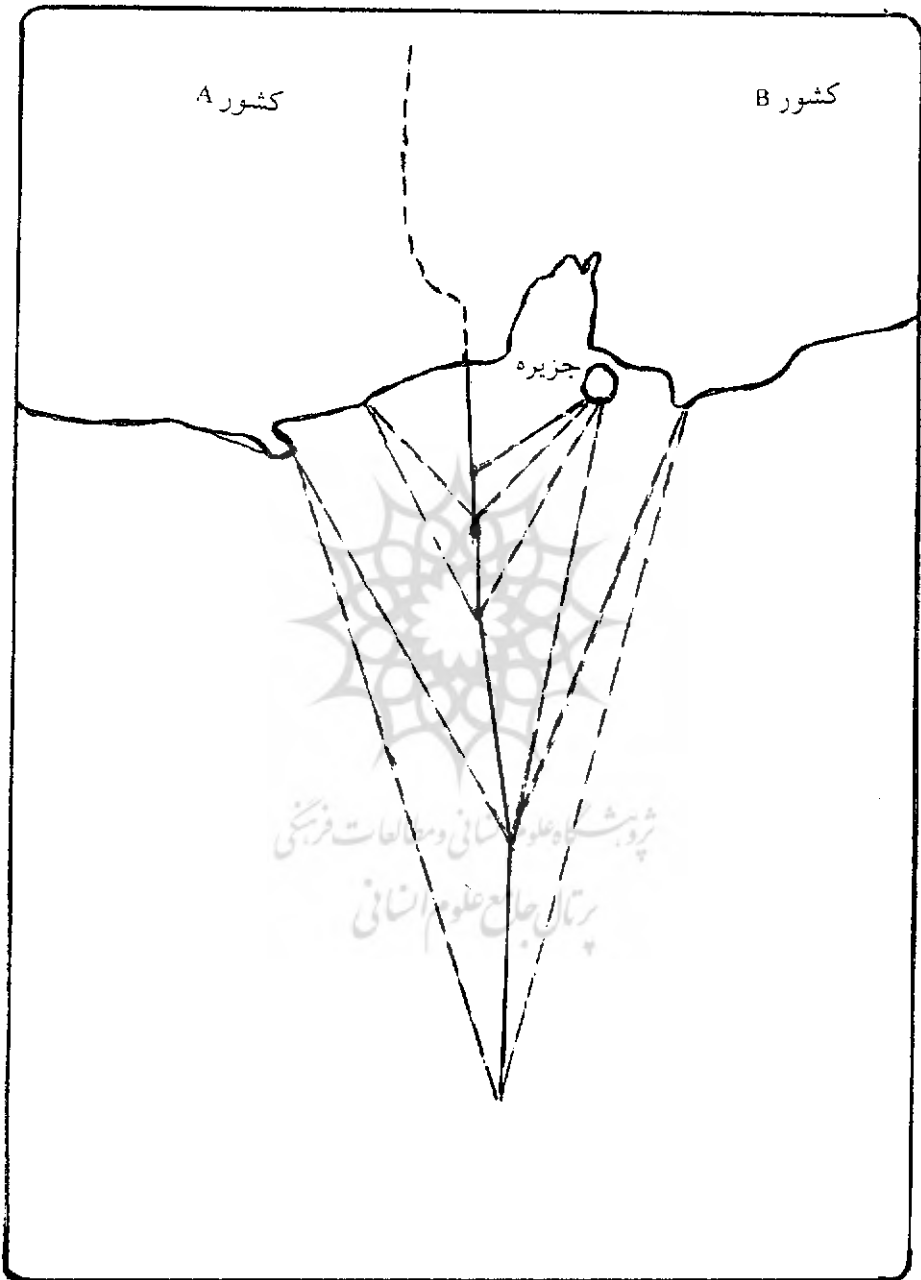


(شکل شماره ۱)

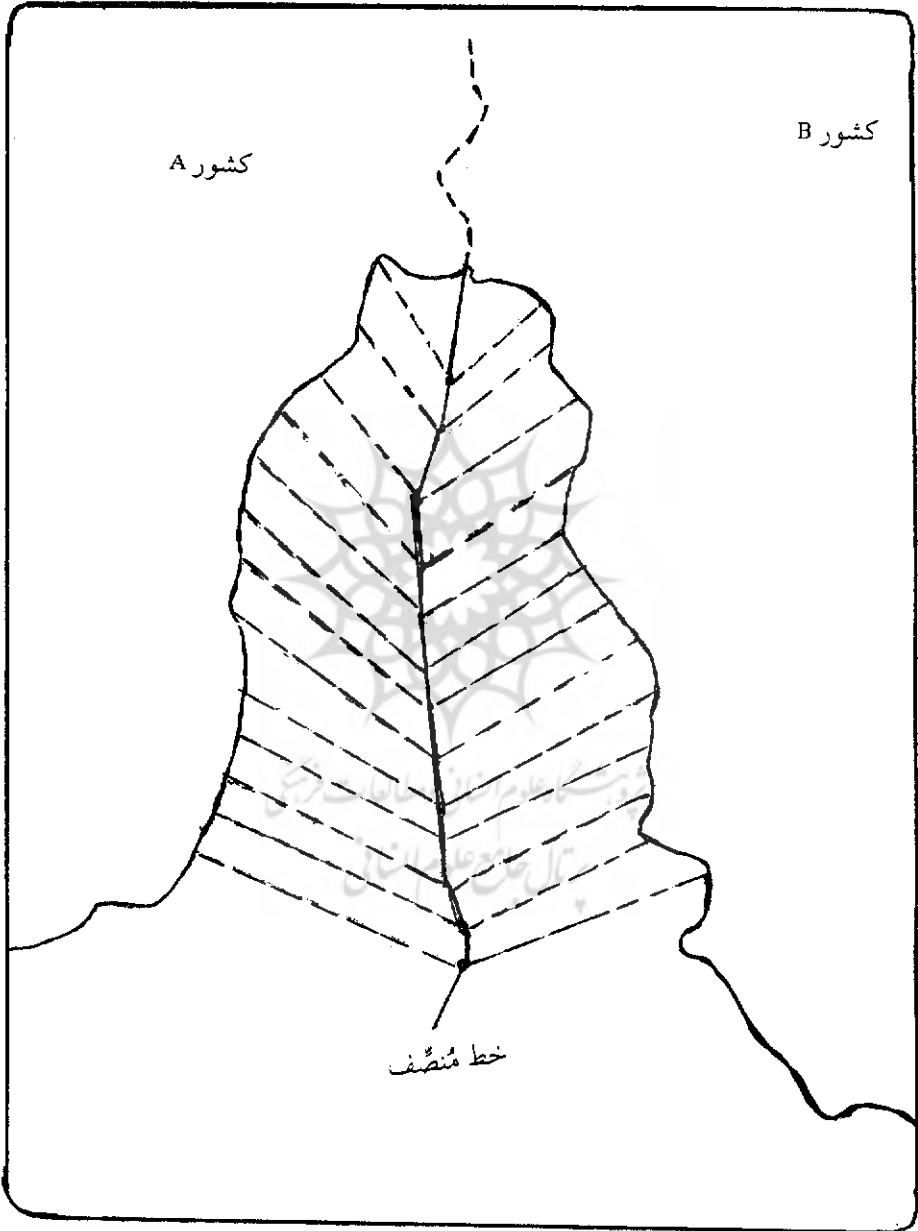
مناطق دریایی



(شکل شماره ۲)



(شکل شماره ۳) تعیین عرض دریا ی سرزمینی دو کشور همجوار



(شکل شماره ۴) تعیین عرض دریای سرزمینی دو کشور روبرو

